

نظامی سیاسی باشد، در حاکمیت هم باشد، اما توده ای نباشد

میهن دوست ترین نظامی ها

پیش و پس از انقلاب، با همین اراده تیرباران شدند

جرم حاج داوود ها و ده ها سردار سپاه که ترور شدند، تصفیه شدند،

در گوشه زندان سپاه پوسیدند و یا مخفیانه تیرباران شدند نیز همین بود:

اندیشه سیاسی مغایر با اندیشه سیاسی طبقه حاکم!

27 مهر، سالروز تیرباران امید به نجات جنبش ملی و تثبیت کودتای 28 مرداد است. نخستین گروه از افسران نظامی حزب توده ایران، در این روز تیرباران شدند. تا پیش از کشف سازمان نظامی حزب توده ایران، آشکار و پنهان، همه امید جنبش برای درهم کوبیدن کودتاجیان به این سازمان بود و تمام دلهره سازمان های جاسوسی امریکا و انگلیس که در کنار فرمانداری نظامی تهران و دربار شاهنشاهی فعالیت می کردند معطوف به کشف این سازمان برای تثبیت کودتا. نبردی نابرابر، در دوران برتری دربار شاهنشاهی بر جنبش مردم. همین است که لو رفتن سازمان نظامی حزب توده ایران یک فاجعه ملی بود و تیرباران افسران شریف و میهن دوستی که زیر شکنجه های فرمانداری نظامی نیمه جانی برایشان باقی مانده بود یک عزای ملی. در حالی که شاه خود را بزرگ ارتشتاران لقب داده و ژنرال های وابسته به دربار مجلس و قوه مجریه را در اختیار گرفته و دادگاه های نظامی جانشین دادگستری شده بودند، افسران توده ای به اتهام مضحک "فعالیت سیاسی" دسته دسته تیرباران شدند و گروه گروه به حبس های طولانی محکوم.

دربار کودتا از آن دسته از نظامی های ملی که با دکترا مصدق و دولت او همکاری کرده و به خبرچین های درون دولت مصدق برای دربار و رکن دو ارتش شاهنشاهی تبدیل نشده بودند نیز انتقام گرفت. گرچه این انتقام و محکومیت هرگز قابل مقایسه با آن جنایتی که در حق نظامی های توده ای روا داشته شد نبود. جمعی از نظامی های طرفدار مصدق بازنشسته شدند، برخی خانه نشین، برخی تحت نظر و معدودی نیز محکوم به حبس های یک تا سه سال. اما این زندان و محکومیت کجا و آنچه بر سر نظامی های توده ای رفت کجا؟! افسران متهم به همکاری با دولت مصدق در سلول های جمعی و حتی سرویس های خانوادگی دوران کوتاه زندان را گذراندند. حتی با غذای ویژه که نمونه ای از آن بصورت عکس در مطبوعات وقت منتشر شد و در همین مجموعه - بعنوان تاریخ به روایت مطبوعات- مشاهده می کنید. جرم آن ها نیز "فعالیت سیاسی" بود و اینکه در ارتش نباید کسی فعالیت سیاسی کند. این در حالی بود که سپهبد زاهدی و ژنرال ها و افسران همسو با او کودتای سیاسی کرده بودند!

همین جنایت، 4 دهه بعد یکبار دیگر تکرار شد. باز هم شریف ترین نظامی های کشور به جرم توده ای بودن در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند. پس از کودتای 28 مرداد سپهبد آزموده احکام اعدام را صادر کرد و پس از اولین خیز کودتائی علیه انقلاب 57 احکامی مشابه از سوی حجت الاسلام ریشهری صادر شد. آن اعدام های پس از کودتای 28 مرداد زمینه ساز سلطه امریکا و انگلیس بر مقدرات کشور بود و با اندیشه تثبیت موقعیت دربار کودتا و این اعدام ها نخستین گام خونین و کودتائی بود که حاصل فاجعه بار آن را امروز بنام حاکمیت ارتجاع مذهبی و سرمایه داری غارتگر تجاری می شناسیم. این که کودتای 28 مرداد برای تثبیت خود فقط چند سال - به تعداد انگشتان یک دست - نیاز داشت و کودتا علیه انقلاب 57 به دو دهه ضربات سیاسی و خونین نیازمند بود تا بتواند خود را تثبیت کند، نه به آن دلیل است که خون کمتر ریخته شد، بلکه

بدلیل عظمت انقلاب 57 و ظرفیت های آن برای پایداری در مقابل کودتائی است که هنوز پس از دو دهه نیز نتوانسته خود را تثبیت کند. همان ها که افسران شریفی نظیر سرهنگ کبیری و سرهنگ عطاریان و دریادار افضلی را از جبهه های جنگ میهنی به میدان های تیرباران بردند، امروز کابینه نظامی تشکیل داده و سیاست را به نظامی ها واگذار کرده اند. اما، نظامی های همسو با خود، گرچه این چالش هنوز در آغاز راه است و برای سلطه نظامی های وابسته مستقیم به ضد انقلاب 57 بر سرنوشت کشور راه دراز تصفیه های خونین در پیش است.

افسران و نظامی های توده ای ایران به جرم فعالیت سیاسی در جمهوری اسلامی تیرباران شدند. گفتند چون توده ای بوده اید و وابسته به حزب توده ایران باید تیرباران شوید. اما، همگان می دانند که در سال های پس از این جنایت نیز صدها سپاهی و نظامی مذهبی نیز زندانی، پاکسازی، تبعید، ترور، اعدام پنهانی و خلع لباس شدند. آن ها نیز به جرم داشتن افکار سیاسی- مذهبی خلاف اندیشه قبضه کنندگان قدرت در سال های پس از درگذشت آیت الله خمینی قربانی شدند. توده ای نبودند، بلکه با اندیشه حاکم همسوئی نداشتند؛ و هسته مرکزی مقابله با اندیشه و سیاست در نیروهای نظامی دوران شاه و دوران جمهوری اسلامی در همین است. آن گروه که حاکم است، نظامی های هم اندیش خود را مسلط بر قوای نظامی می خواهد و دیگران، از هر اندیشه و مسلکی باشند، به زعم آنان دشمن اند و جرمشان فعالیت سیاسی! حاج داوودها، که سرداران جنگ با عراق هم بودند، قطعاً توده ای نبودند، اما قربانی همین اندیشه و اراده شدند. اکنون نیز وضع همانست و در آینده نزدیک خواهیم دید که تصفیه ها در سپاه پاسداران سمت و سوئی جز این نخواهد داشت.

یاد تیرباران شدگان گروه اول توده ای ها، پس از کودتای 28 مرداد، در پیوند با تیرباران شدگان افسران توده ای در جمهوری اسلامی و در پیوند بیشتر با حوادث امروز و فردای ایران اعتبار تحلیلی و روز پیدا می کند. **نبرد که بر که، امروز حالت نظامی در ایران به خود گرفته و بخش عمده ای از سمت گیری آینده ایران، بستگی به سرانجام این نبرد دارد.**